

# بررسی تأثیر دموکراسی و حقوق مالکیت بر کاهش فساد در کشورهای عضو منا

جابر بهرامی\*

مصیب پهلوانی\*\*

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۱۳



## چکیده

فساد اداری، پدیده‌ای است که کم‌وبیش در کلیه کشورهای جهان وجود دارد. با این حال، نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشوری متفاوت است. امروزه فساد اداری و مالی به یک معضل جهانی تبدیل شده است و دولت‌ها آگاهند که فساد باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود و هیچ حدودمرزی هم نمی‌شناسد. این معضل، اقتصاد داخلی را فلج می‌کند، جریان توسعه را مختل می‌سازد و سازمان‌های دموکراتیک را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ لذا به منظور مبارزه با فساد و کنترل آن ضروری است به صورت علمی، عوامل مؤثر بر فساد شناسایی شود. هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر دموکراسی و حقوق مالکیت بر فساد اداری در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۳ می‌باشد. برای این منظور از شاخص ادراک فساد برای اندازه‌گیری فساد اداری (کاهش فساد اداری) در این گروه کشورها استفاده شده است. مدل تحقیق با استفاده از فنون اقتصادسنجی پانلی مانند ریشه واحد پانلی، هم‌انباشتگی پانلی و الگوی اثرات ثابت روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته تخمین زده شده است. نتایج حاصل از این مطالعه دلالت بر این دارد که دموکراسی و حقوق مالکیت تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) در کشورهای مورد بررسی داشته است. علاوه بر این شاخص توسعه اقتصادی، متغیر تورم و نرخ پس‌انداز اثر منفی و معنادار، و سرمایه انسانی اثر مثبت و معناداری بر شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: دموکراسی، حقوق مالکیت، شاخص ادراک فساد، داده‌های پانلی، کشورهای عضو منا

طبقه‌بندی JEL: C23, D73, P14, P26

Bahrami\_economic@yahoo.com

Pahlavani@eco.usb.ac.ir

\* دانشجوی دکتری دانشگاه سیستان و بلوچستان

\*\* دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان



### مقدمه

فساد یکی از پدیده‌های جهانی است که از دیرباز با پیدایش شکل‌های اولیه حکومت وجود داشته است و در دوران معاصر نیز در تمام کشورهای دنیا کم‌وبیش وجود دارد. فساد، مسیر رشد اقتصادی را با موانع بسیاری مواجه می‌سازد و بر توسعه اقتصادی اثر منفی دارد. این تأثیر بر اقتصادهای باز بیشتر از اقتصادهای بسته است (بلک‌برن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). فساد یک بیماری است که رویه‌ها و معیارهای پیشرفت اشخاص در بوروکراسی دولتی را فاسد می‌کند (کاهانا و لیو کیجون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰).

پدیده فساد اداری، در دنیای امروز و به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت جامعه، مطرح شده است. این پدیده صدمات جبران ناپذیری را برای سرعت حرکت چرخ توسعه جامعه ایجاد کرده و مسیر توسعه و پیشرفت را مسدود و محدود می‌سازد (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸).

امروزه فساد اداری و مالی به یک معضل جهانی تبدیل شده است و دولت‌ها می‌دانند که فساد باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود و هیچ حدمرزی هم نمی‌شناسد، همان‌گونه که نتایج و پیامدهای آن نیز بنا بر نوع سازمان سیاسی و اقتصادی و سطح توسعه یافتگی، گوناگون است. به هر صورت، فساد موجب انحطاط است، سیاست‌های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می‌دهد و باعث هدر رفتن منابع ملی می‌شود (افضلی، ۱۳۹۱).

فساد اداری، معمولاً به انحراف از شیوه‌های قانونی و به طور کلی استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی اطلاق می‌شود و به اشکال مختلف بروز می‌کند

- 
1. Blackburn et Al
  2. Kahana and Liu Qijun

که رشوه یکی از آنهاست. پیچیدگی، نارسایی و به‌روز نبودن قوانین، دیوانسالاری‌های عریض و طویل و غیرپاسخ‌گو، ناآگاهی عامه مردم از حقوق خود، عدم دسترسی به اطلاعات، ضعف اخلاقی، فقر مادی و عدم همپایی حقوق کارکنان دون‌رتبه با هزینه‌ها، از زمره دلایلی است که موجب می‌شود رشوه و فساد ابزاری برای فرار از این مشکلات باشد (الوانی، ۱۳۷۸).

فساد، توسعه اقتصادی را از طریق تحریف و مشغول کردن افکار عمومی و ایجاد ناکارآمدی، تحلیل می‌برد. در بخش خصوصی، فساد هزینه‌های کسب‌وکار را از طریق پرداخت‌های نامشروع، هزینه مدیریت مذاکرات با مقامات و ریسک ناشی از قراردادهای نقض‌شده یا ضبط اموال، بالا می‌برد. گرچه برای عبور از بعضی از قوانین و مقررات دست‌وپاگیر موارد اظهارشده فساد، هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. امکان رشوه گرفتن نیز مقامات را اغوا می‌کند تا مقررات جدیدی را وضع و تأخیرهایی را در اجرای قوانین طراحی کنند (نواده توپچی، ۱۳۸۹).

فساد اداری عارضه‌ای است که امروزه گریبان‌گیر همه کشورها توسعه‌یافته و درحال توسعه است. به سخن دیگر هیچ کشور پاکی به‌لحاظ فساد اداری در جهان وجود ندارد. درواقع هر جا که دولت وجود داشته باشد، فساد اداری نیز کم‌وبیش وجود خواهد داشت (تقوی و همکاران، ۱۳۸۹).

بانک جهانی و سازمان بین‌المللی شفافیت<sup>۱</sup> و برخی نهادهای بین‌المللی، فساد را به‌معنی سوءاستفاده از منصب دولتی، حکومتی برای نفع شخصی یا انتفاع اشخاص ثالث دانسته‌اند که متضمن قبول پول، هدیه یا هرگونه امتیاز دیگر توسط یک صاحب‌منصب در ازای انجام یا عدم انجام فعلی برخلاف وظایف مقرر قانونی و سازمانی است (محبت‌خان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱).

همچنین فساد اداری از طریق هدایت ناصواب استعدادها و منابع بالقوه و بالفعل انسانی به‌سمت فعالیت‌های نادرست برای دستیابی به درآمدهای سهل‌الوصول، زمینه رکود در تمام ابعاد جامعه را فراهم می‌کند. بنابراین مقابله با فساد در عرصه اداری ضرورتی جدی و انکارناپذیر است (شائمی برزکی و

1. Transparency International Organization

2. Mohabbat Khan

همکاران، ۱۳۹۱).

فساد یک مشکل جهانی است و با توجه به گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت بر تمام بخش‌های جامعه از ساخت‌وساز (فرانسه)، آموزش و پرورش (اوگاندا)، پلیس (مالزی)، تا مجلس (ژاپن)، قوه قضائیه (برزیل، بورکینافاسو، اکوادور و نپال)، و حتی کلیسا (یونان) اثر می‌گذارد (کسنیا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸).

با توجه به اهمیت موضوع فساد، نیازمند شناسایی عوامل مؤثر و راه‌های مبارزه با آن هستیم؛ به همین منظور در این مطالعه سعی شده است تأثیر دموکراسی و حقوق مالکیت بر کاهش فساد اداری با تکیه بر روش داده‌های پانلی برای داده‌های کشورهای عضو منا و دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۳ مورد تحلیل قرار گیرد. پس از بیان مقدمه، در بخش دوم مبانی نظری ارائه خواهد شد. در بخش سوم این پژوهش به مروری بر مطالعات انجام‌شده، می‌پردازیم. بخش چهارم به معرفی متغیرها، توصیف داده‌های آماری و تصریح مدل اختصاص یافته است. در بخش پنجم، نتایج تجربی تبیین و در نهایت بخش ششم به نتیجه‌گیری و پیشنهادات تحقیق اختصاص یافته است.

## ۱. مبانی نظری

### ۱-۱. ارتباط فساد و دموکراسی

دموکراسی در ادبیات سیاسی به شکلی از حکومت گفته می‌شود که همه مردم به صورت برابر می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های حکومتی دخالت کنند (صمدی و همکاران، ۱۳۹۱). دموکراسی به معنای حاکمیت همه مردم، آزادی تعیین سرنوشت توسط ملت‌ها و گردش قدرت براساس خواست عامه مردم است. ابزارهای دموکراسی در غرب و یا به عبارت روشن‌تر نمادهای مردم‌سالاری، وجود احزاب سیاسی، نهادهای مدنی فعال، کثرت‌گرایی، استفاده از خرد جمعی، انتخابات آزاد براساس اصل هر شهروند یک رأی، دولت برخاسته از پارلمان منتخب، دستگاه قضایی مستقل و نیرومند و مطبوعات و رسانه‌های آزاد است (جنتی، ۱۳۹۰).

1. Ksenia

با وجود اینکه برداشت‌های گوناگونی از مفهوم دموکراسی وجود دارد و عده‌ای آن را به اراده عمومی مردم نسبت می‌دهند و در مقابل عده‌ای بر اصالت آزادی فردی تأکید دارند، اما همگی بر این نکته که دموکراسی به معنی سهیم شدن در قدرت تصمیم‌گیری و امکان تغییرات مرتب در هیئت حاکمه از طریق نهادها و رویه‌های مشخص است، اجماع نظر دارند (سجادپور و یزدان‌پناه شوره‌گل، ۱۳۹۲). از لحاظ نظری، در نظام‌های دیکتاتوری قدرت در انحصار تعداد افراد اندکی قرار دارد و محدودیت‌های بسیار کمی برای جلوگیری از اعمال این افراد وجود دارد، لذا سطح بالایی از فساد در رژیم‌های دیکتاتوری مشاهده شده است. در مقابل، در نظام‌های دموکراتیک، قدرت در بین گروه‌های اجرایی دولت، نمایندگان منتخب مردم و قوه قضائیه مستقل تقسیم شده است. انتخابات آزاد منجر به جایگزینی قدرت مردم با قدرت افراد خاص در سیستم دیکتاتوری خواهد شد که تهدیدی برای عاملان سیاسی فاسد بوده است و منجر به کاهش فساد خواهد شد (شلیف‌ر و ویشنی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳).

دموکراسی تلاشی است برای پرهیز از پیامدهای مفسده‌انگیز انباشت قدرت سیاسی، سوسیالیسم هم تلاشی است برای پرهیز از پیامدهای نامیمون انباشت ثروت اقتصادی، و سوسیال‌دموکراسی می‌کوشد تا این دو را با یکدیگر آشتی دهد و جمع کند. در واقع در دو دهه اخیر، هم کشورهای سرمایه‌داری غربی و هم کشورهای دارای رژیم‌های کمونیست یا سوسیالیست کوشیده‌اند به سوی سوسیال‌دموکراسی حرکت کنند. به‌طور مشخص نیز می‌توان گفت شکست بخش اعظم نظام‌های کمونیستی در اواخر قرن بیستم به‌عنوان پایانی بر تجربه حکومت‌های مساوات‌گرا تلقی می‌شود (رنانی، ۱۳۹۰).

طبق گفته آکرمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۹)، دموکراسی مبتنی بر پایه و اساس قانونی مستحکم استوار است که قادر به ارائه یک چارچوب پایدار برای کارایی بیشتر به بهترین شکل برای فعالیت‌های اقتصادی است. با این حال، سیاستمداران به دنبال انتخابات مجدد احساس ناامنی در مورد چشم‌انداز آتی خود خواهند داشت؛ هرچند این

1. Shleifer and Vishny

2. Ackerman



احساس ناامنی به حدی نیست که منجر به تناقض با وضعیت پایدار شود. امنیت بیش از حد موقعت سیاستمداران، مقدمات فساد بیشتر را فراهم می‌آورد و به‌طور مشابه احساس ناامنی بیشتر، منجر به فساد بیشتر عاملان اقتصادی و سیاسی خواهد شد (دانگ و تورگلر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱).

اگرچه درجه دموکراسی در توضیح فساد بی اهمیت است، ولی هر قدر ساختار دموکراسی در یک کشور نهادینه تر شود، فساد، بیشتر کاهش می‌یابد. یافته‌های تحقیقات اولیه نشان می‌دهد که فساد با سطح رشد اقتصادی، و همچنین سیستم قانونی و حکومتی کشور مرتبط است (دیوید ان جی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶).

یک کشور با دموکراسی کاملاً توسعه یافته حالتی است که در آن حکومت در اختیار فرد یا گروه خاصی نیست، بلکه خود مردم حکومت می‌کنند که منجر به عملکرد مفید و مؤثر سازمان‌ها و نهادها، همراه با مشارکت گسترده مردم خواهد شد. این وضعیت که ترکیبی از آزادی‌های مطبوعاتی، قوه قضائیه مستقل، نیروی پلیس فعال و کارآمد و مشارکت مردم را به تصویر می‌کشد، تهدیدی عملی در مقابل رفتار فاسد است که اثر منفی بر فساد خواهد داشت بنابراین، آزادی‌های دموکراتیک گسترده تر و مؤثرتر نهادهای دموکراتیک منجر به سطح فساد کمتر خواهد بود. بر این اساس، دموکراسی در عملکرد خوب و نهادی سازگار با قانون و اجرای شانه‌به‌شانه قانون منجر به کاهش فساد خواهد شد. مطابق نظریه دموکراسی، بین دموکراسی و فساد، رابطه منفی وجود دارد. زیرا فساد نفع فردی یا اقلیت را دنبال می‌کند، در حالی که دموکراسی نفع اکثریت را در نظر می‌گیرد (هیل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳، و بوهارا و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴).

با وجود افزایش فساد در مراحل اولیه دموکراتیزه کردن، تثبیت دموکراسی با عملکرد خوب، قادر به کاهش سطح فساد در یک کشور است. این ایده که دموکراسی تأثیر منفی بر فساد دارد، مسلم است، اما با این حال، درجه تأثیر اصلاحات

1. Dong and Torgler

2. David Ng

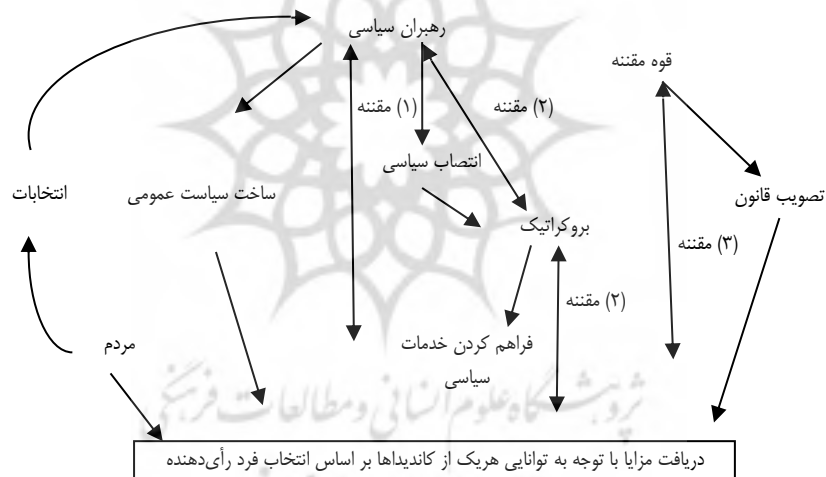
3. Hill

4. Bohara et al

دموکراتیک در سطوح فساد، ساده و یکنواخت نیست (سها و کمپل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). چارچوب نهادی ضعیف در کشورهای تازه دموکراتیک، فرصت‌های سطح بالای فساد را افزایش می‌دهد. بر این اساس، کشورهای شرق آسیا، امریکای لاتین و اروپای شرقی فساد سطح بالا را در حرکت به سوی دموکراسی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ تجربه کرده‌اند. این کشورها عمدتاً براساس شاخص دموکراسی‌های انتخاباتی طبقه‌بندی شده‌اند که تنها به‌عنوان یکی از شاخصه‌های آزادی توسط مؤسسه فریدم هاووس<sup>۲</sup> ارائه شده است (سامانه مؤسسه فریدم هاووس، ۲۰۱۳).

شکل زیر سه راه مؤثر بر کاهش فساد و اینکه چگونه یک جامعه دموکراتیک با وجود مردم و قوه مقننه مستقل قادر به کاهش فساد است را به تصویر می‌کشد:

شکل شماره (۱). سه راه مؤثر بر کاهش فساد در یک جامعه دموکراتیک



منبع: جین<sup>۳</sup>، (۲۰۰۱)

## ۱-۲. ارتباط فساد و حقوق مالکیت

اهمیت استحکام، ثبات و روشنی حقوق مالکیت فیزیکی و معنوی و نقش آن در

1. Saha and Campbell
2. Freedom House
3. Jain



انگیزش کارآفرینی و توسعه اقتصادی، امری شناخته شده در ادبیات اقتصادی است (معینی و رنانی، ۱۳۸۹)؛ بنابراین حقوق مالکیت به عنوان یک اصل از توسعه اقتصادی، یکی دیگر از عوامل مهم در مهار فساد است. سطح حمایت از حقوق ثبت ابداع و اختراع، علائم تجاری، کپی رایت و به طور کلی حمایت از حقوق مالکیت یکی از عوامل مؤثر بر فساد اداری است. در یک اقتصاد، سرمایه گذاران به ویژه سرمایه گذاران خصوصی، نیاز به نهادهای قانونی مستقل و مؤثر برای مهار فساد و مالکیت اموال خود را دارند. حکومت دموکراتیک به صورت بالقوه مدافع حقوق مالکیت افراد جامعه نیز هست.

در کشورهای در حال توسعه قطعاً با وجود محدودیت‌های سلب حقوق مالکیت به طور رسمی و غیررسمی، در دوره گذار به سوی توسعه، این محدودیت‌ها در کوتاه مدت منجر به افزایش فساد خواهد شد، اما در درازمدت هنگامی که سیستم مناسب راه اندازی شد، با کاهش محدودیت‌ها ما می‌توانیم امیدوار باشیم که میزان فساد کاهش خواهد یافت. مهم تر از همه، اگر مجازات سنگینی برای گرفتن و دادن رشوه وضع شود، براساس عادات و رفتار مردم و مقامات و ترس از مجازات، فساد کاهش خواهد یافت (کمال<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸).

اگر یک قرارداد براساس منطقی سازگار نتواند اجرا شود و دولت‌ها محدودیتی در مهار فساد یا رشوه داشته باشند، ریسک سرمایه گذاران بالقوه به احتمال زیاد بالا خواهد رفت، در نتیجه محیط نامساعد برای سرمایه گذاری با تشدید فساد به وجود خواهد آمد، لذا سرمایه گذاری کاهش و اثر منفی بر رشد خواهد گذاشت. در حال حاضر بسیاری از دانشمندان و محققان بر این باورند که در طول زمان، مقدمات ایجاد حکومت دموکراتیک منجر به ارائه بهترین محیط برای مهار فساد و امنیت حقوق مالکیت پذیرفته شده است (مک ایتایر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). استدلال نادگروودکیویسز<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۲، از مرکز بین‌المللی کارآفرینی خصوصی<sup>۴</sup> (CIPE)، این بود که

1. Kemal

2. MacIntyre

3. De Soto and Nadgrodkiewicz

4. Center for International Private Enterprise



محرومیت‌های اقتصادی فراگیر در صورت فقدان حقوق مالکیت نیز به حاکمیت ضعیف قانون و فساد منجر می‌شود.

زمانی که حقوق مالکیت رسمی وجود ندارد، فساد دارای یک تابع مثبت خواهد بود. بنابراین فساد به درجه خاصی از فقدان حقوق مالکیت در کاهش اطمینان، تولید و سرمایه‌گذاری مربوط است (ابن و وال<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

## ۲. مروری بر مطالعات تجربی

آکموگلو و وردیر<sup>۲</sup> (۱۹۹۸)، در قالب یک مدل پویای تعادل عمومی به بررسی رابطه حقوق مالکیت و فساد پرداخته‌اند که نتایج نشان می‌دهد اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته که حقوق مالکیت در آنها در سطوح پایین‌تری قرار دارد، فساد بیشتری را نیز تجربه کرده‌اند.

آدیس و دی‌تلا<sup>۳</sup> (۱۹۹۷)، و فیسمن و گاتی<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای جداگانه به بررسی تأثیر حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی بر فساد با استفاده از داده‌های تابلویی برای تعدادی از کشورها پرداختند که نتایج حاکی از آن است که حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی هیچ تأثیری بر فساد ندارند.

آدیس و دی‌تلا (۱۹۹۹)، در تحقیقی دیگر به تأثیر ثبات سیاسی بر فساد با استفاده از داده‌های تابلویی برای ۶۷ کشور طی دوره زمانی ۱۹۸۵-۱۹۶۰ پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، حقوق سیاسی کمتر با فساد کمتری در ارتباط است.

باهتاچاریا و هادلر<sup>۵</sup> (۲۰۰۸)، به بررسی تأثیر وفور منابع طبیعی بر فساد با توجه به نقش نهادهای دموکراتیک برای دو دسته از کشورهای دارای حکومت دموکراتیک و غیردموکراتیک با استفاده از نظریه بازی‌ها و داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. نتایج بررسی آنها در ۹۹ کشور طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۸۰ نشان می‌دهد که وفور منابع در کشورهای غیردموکراتیک منجر به افزایش فساد خواهد شد به این

1. Ebben and Vaal
2. Acemoglu and Verdier
3. Ades and Di Tella
4. Fisman and Gatti
5. Bhattacharyya and Hodler

معنا که دموکراسی اثری منفی بر فساد داشته است.

سانگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، در قالب مدل‌های خطی و غیرخطی و داده‌های پانلی به بررسی تأثیر دموکراسی بر فساد سیاسی برای تعدادی از کشورهای طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۰ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که در هر دو مدل دموکراسی باعث کاهش فساد شده است.

سها و کمپل<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، در مطالعه‌ای به بررسی اثرات دموکراسی انتخاباتی بر فساد با استفاده از داده‌های مقطعی سال ۲۰۰۵ برای تعدادی از کشورها پرداخته‌اند. این مطالعه استدلال می‌کند که دموکراسی انتخابات برای کاهش فساد کافی نیست. همچنین این تحقیق به بررسی اهمیت عملکرد نهادهای دموکراتیک در جلوگیری از فساد پرداخته است. یک دموکراسی با عملکرد خوب می‌تواند از فساد جلوگیری کند، البته پیش از آنکه یک دولت دموکراتیک انتخاب شود، به مؤسسات نهادی به‌ویژه قوه قضائیه، نیروی پلیس و مطبوعات به‌طور مؤثر نیاز دارند. در مجموع ممکن است دموکراسی منجر به کاهش سطوح فساد اداری شود.

سها و همکاران (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین دموکراسی، آزادی اقتصادی و فساد با استفاده از داده‌های تابلویی برای ۱۰۰ کشور طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۴ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در کشورهای با درجه آزادی اقتصادی پایین نه تنها دموکراسی بر فساد اثر منفی نداشته است، بلکه باعث افزایش فساد نیز شده است.

دانگ و تورگلر (۲۰۱۱)، با به‌کارگیری روش داده‌های تابلویی و حداقل مربعات معمولی<sup>۳</sup> به بررسی تأثیر دموکراسی و حقوق مالکیت بر فساد طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۶، برای تعدادی از کشورها پرداخته‌اند؛ نتایج نشان می‌دهد که با فقدان حقوق مالکیت و نابرابری درآمدی، دموکراسی حتی ممکن است منجر به افزایش فساد شود. لذا حمایت از حقوق مالکیت و کاهش نابرابری درآمد به کاهش فساد کمک خواهد کرد.

1. Sung

2. Saha and Campbell

3. Ordinary Least Squares (OLS)

کلستات و ویگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های تابلویی برای ۵۹ کشور به بررسی این موضوع که آیا دموکراسی بر فساد تأثیری دارد، پرداخته است. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که دموکراسی تا حد زیادی فساد را کاهش می‌دهد و مهم‌ترین عامل مبارزه با فساد عنوان شده است.

آرزکی و جایلفاسون<sup>۲</sup> (۲۰۱۱)، در مطالعه‌ای به بررسی اجاره منابع و دموکراسی به کمک داده‌های تابلویی برای ۲۹ کشور افریقایی طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۸۵ پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مکانیسم‌هایی که از طریق آن اجاره منابع تحت تأثیر فساد قرار می‌گیرد از سیستم‌های سیاسی جدا نیست، به طوری که فساد ناشی از افزایش اجاره منابع طبیعی در کشورهای دموکراتیک‌تر کمتر است.

کالنبورن و لسمن<sup>۳</sup> (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای به بررسی اهمیت موضوع دموکراسی و آزادی مطبوعات بر فساد با استفاده از داده‌های تابلویی و مقطعی برای تعدادی از کشورها طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۵ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که دموکراسی و آزادی مطبوعات بر فساد اثری مثبت داشته است، اما درجه خاصی از آزادی مطبوعات و اصلاحات دموکراتیک اگر همراه با اصلاحات نهادی و نظارت سیاستمداران باشد بر کاهش فساد مؤثر خواهد بود.

سها و جی سو<sup>۴</sup> (۲۰۱۲)، به بررسی اثر متقابل دموکراسی و آزادی اقتصادی بر شاخص ادراک فساد با استفاده از تحلیل رگرسیون غیرخطی برای ۱۰۰ کشور و طی دوره زمانی ۲۰۰۸-۱۹۹۵ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه دموکراسی و آزادی اقتصادی به صورت مجزا در کشورهای با فساد بالاتر، قادر به کاهش فساد نشده است، اما با تعامل این دو متغیر به صورت هم‌زمان، فساد کاهش یافته است.

تحقیقات انجام شده در مورد ارتباط بین دموکراسی و فساد، یافته‌های متناقضی را نشان می‌دهد. دلیل اصلی اختلاف نظر میان پژوهشگران، ویژگی‌های چندبعدی «دموکراسی» و یا «برقراری دموکراسی» است. در مجموع، می‌توان گفت دموکراسی به دلیل

- 
1. Kolstad and Wiig
  2. Arezki and Gylfason
  3. Kalenborn and Lessmann
  4. Saha and Je Su

نقش حمایتی ای که در مورد حقوق مالکیت ایفا می‌کند، بر کاهش فساد اثری مثبت دارد، اما اثر مستقیم دموکراسی بر کاهش فساد در مطالعات انجام شده تاکنون بدون در نظر گرفتن نقشی که دموکراسی بر افزایش حمایت از حقوق مالکیت دارد، متفاوت است؛ زیرا نتایج برخی از مطالعات تجربی بیانگر تأثیر مثبت دموکراسی بر کاهش فساد است؛ در حالی که نتایج برخی دیگر از مطالعات بیانگر تأثیر منفی دموکراسی بر کاهش فساد است. همچنین نتایج مطالعات تجربی نشانگر تأثیر مثبت حقوق مالکیت بر کاهش فساد است.

### ۳. تصریح مدل

در این مقاله به پیروی از مطالعات دانگ و تورگلر (۲۰۱۱)، کلسات و ویگ (۲۰۱۱) و کالبرن و لسمن (۲۰۱۲) عوامل مؤثر بر کاهش فساد اداری یا به عبارت بهتر معادله کاهش فساد اداری را می‌توان به صورت زیر نوشت:

(۱)

$$Corruption_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Democracy_{it} + \alpha_2 Property\ Right_{it} + \sum_{k=3}^9 \alpha_k Controls_{it} + \varepsilon_{it}$$

$i=1,2,3,\dots,16$  and  $t=2003,2004,\dots,2012$

که در آن:

*Corruption*: شاخص ادراک فساد به عنوان متغیر جایگزین برای اندازه‌گیری فساد اداری در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا استفاده شده است. این شاخص از سال ۱۹۹۵ به بعد توسط سازمان بین‌المللی شفافیت (TI) منتشر شده و مقدار عددی آن بین صفر و ده است. با نزدیک شدن این شاخص به مقدار ۱۰ از میزان فساد اداری کاسته شده است و با میل نمودن این متغیر به صفر بر میزان فساد اداری افزوده می‌شود. لازم به توضیح است که شاخص‌ها و معیارهای موجود در زمینه محاسبه فساد اداری ذهنی بوده است و براساس بررسی‌ها و نظرسنجی‌های مؤسسه‌های بین‌المللی نظیر بانک جهانی و راهنمای ریسک بین‌المللی کشورها استخراج می‌شود. دلیل استفاده از شاخص ادراک فساد در این مطالعه آن است که این شاخص نسبت به شاخص‌های دیگر، اطلاعات جامعی در زمینه موارد مختلف فساد اداری نظیر ارتشا و اختلاس توسط کارمندان دولتی را ارائه می‌کند. علاوه بر این، سازمان بین‌المللی شفافیت از طریق تهیه فرم‌های بررسی و نظرسنجی سایر



مؤسسات بین‌المللی اقدام به انتشار آمار و اطلاعاتی برای شاخص ادراک فساد کشورها کرده و برای کاهش تغییرات احتمالی نمره هر کشور و دقت بیشتر در محاسبات، از آمار و اطلاعات سه سازمان معتبر بین‌المللی استفاده می‌کند. آمار و اطلاعات مورد استفاده برای شاخص ادراک فساد از درگاه آمار سازمان بین‌المللی شفافیت استخراج شده است. برای هماهنگی بیشتر این متغیر با دیگر متغیرها، تمامی اعداد مربوط به آمار این متغیر بر عدد ۱۰ تقسیم شده است. لازم به ذکر است که داده‌های مربوط به این شاخص در سال ۲۰۱۲ از صفر تا ده به صفر تا صد تغییر یافته است و داده‌های مربوط به این سال به ۱۰۰ تقسیم شده است.

شاخص دموکراسی (Democracy): برای اندازه‌گیری دموکراسی در این مقاله به پیروی از دانگ و تورگلر (۲۰۱۱) و مقاله برندان<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) با استفاده از مقیاس، ترکیبی از دموکراسی و اتوکراسی (نظام دیکتاتوری)، به عنوان شاخص دموکراسی در نظر گرفته شده است. دامنه این متغیر از ۱۰- (دیکتاتوری کامل) تا ۱۰+ (دموکراسی کامل) مرتب شده است و شامل پنج مؤلفه رقابتی کردن عضوگیری حزبی، آزاد کردن عضوگیری حزبی، تغییر سیستم مدیرمحور به قانون‌محور، رقابتی کردن حضور سیاسی و نظارت مردم بر اعمال دولت است. اطلاعات و داده‌های مربوط به مؤلفه دموکراسی از شاخص پالیسی<sup>۲</sup> که توسط دانشگاه مریلند منتشر می‌شود، جمع‌آوری شده است. از آنجا که مقدار عددی این شاخص بین ۱۰- (دیکتاتوری کامل) و ۱۰+ (دموکراسی کامل) است، برای هماهنگی بیشتر این متغیر با دیگر متغیرها، تمامی اعداد مربوط به آمار این متغیر بر عدد ۱۰ تقسیم شده است.

شاخص حقوق مالکیت (Property Right): طبق مطالعه ناک و کیفر<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) از شاخص حقوق مالکیتی که توسط آنها ارائه شده است، به عنوان شاخص حقوق مالکیت استفاده شده است. آمار مربوط به این شاخص از درگاه مؤسسه هریتیج<sup>۴</sup> به دست آمده است. این شاخص از پنج مؤلفه ریسک یا احتمال سلب مالکیت

- 
1. Brendan
  2. Polity IV
  3. Knack and Keefer
  4. Heritage Foundation ([www.heritage.org](http://www.heritage.org))

خصوصی شرکت‌ها توسط دولت، احتمال نقض قراردادها توسط دولت، میزان و سطح حاکمیت قانون در اداره کشور، فساد در ساختار ادارات دولتی و کیفیت بوروکراسی تشکیل شده است. مقدار عددی این شاخص بین ۰ تا ۱۰۰ متغیر است که هرچه مقدار عددی متغیر حقوق مالکیت بزرگ‌تر باشد، نشانگر وضعیت بهتر حقوق مالکیت است. برای تطبیق بیشتر آمار حقوق مالکیت با آمار مربوط به سایر متغیرها، اعداد این شاخص بر ۱۰۰ تقسیم شده است.

نماد *Controls* نشانگر متغیرهای کنترلی است که بر پایه ادبیات موضوع تحقیق افزون بر دموکراسی و حقوق مالکیت بر کاهش فساد اداری اثر می‌گذارند. در این تحقیق متغیرهای کنترلی شامل:

شاخص باز بودن تجاری (OPEN): واردات تقسیم بر تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص باز بودن اقتصاد است.

شاخص تورم (IN): نرخ تورم کشورهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

شاخص توسعه اقتصادی (DE): رشد تولید ناخالص داخلی سرانه که شاخص درجه توسعه اقتصادی را نشان می‌دهد.

شاخص اندازه دولت (GOV): سهم نسبی مخارج کل دولت به‌صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص اندازه دولت است.

نرخ پس‌انداز (SAV): نسبت پس‌انداز ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی تعریف می‌شود.

شاخص جمعیت (POP): لگاریتم جمعیت شهری است.

شاخص سرمایه انسانی (H): نرخ ناخالص ثبت‌نام در مقطع متوسطه<sup>۱</sup> در نظر گرفته شده است. اطلاعات مربوط به تمامی متغیرهای کنترلی از درگاه بانک جهانی<sup>۲</sup> سال ۲۰۱۳ خارج شده است.

مدل مذکور برای ۱۶ کشور عضو منا (بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات، ایران، الجزایر، مصر، اردن، لبنان، مالتا، مراکش، یمن، سوریه و

1. School Enrollment, Secondary

2. www.worldbank.org

تونس) و دوره زمانی مورد مطالعه سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۳ می‌باشد.

#### ۴. نتایج تجربی

##### ۴-۱. آزمون پایایی متغیرها

هنگامی که تعداد مشاهدات سری زمانی در هرکدام از مقاطع زیاد باشد، می‌توان تحلیل پایایی (وجود ریشه واحد) را برای هرکدام از آن مقاطع مورد بررسی قرار داد. اما قدرت آزمون ریشه واحد هنگامی که طول دوره داده‌ها کم است، بسیار پایین می‌باشد. در این شرایط استفاده از آزمون ریشه واحد مبتنی بر داده‌های تابلویی برای افزایش قدرت آزمون‌ها ضروری است. به‌عنوان مثال، آزمون‌های معمول ریشه واحد مثل دیکی فولر<sup>۲</sup>، دیکی فولر تعمیم‌یافته<sup>۳</sup> و فیلیپس پرون<sup>۴</sup> که برای یک سری زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرند از توان آزمون پایینی برخوردار بوده است و دارای تورش به‌سمت قبول فرضیه صفر هستند. این موضوع زمانی که حجم نمونه کوچک است، بسیار تشدید می‌شود. یکی از روش‌هایی که برای رفع این مشکل پیشنهاد شده است، استفاده از داده‌های پانلی برای افزایش حجم نمونه و آزمون ریشه واحد در داده‌های تابلویی است. لذا پیش از برآورد مدل تحقیق، لازم است پایایی تمام متغیرهای مورد استفاده در تخمین، مورد آزمون قرار گیرد. زیرا عدم پایایی متغیرها چه در مورد داده‌های سری زمانی و چه داده‌های تابلویی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود. به‌هرحال ضروری است حداقل یکی از پنج آزمون لوین لین چو<sup>۵</sup>، آزمون ایم، پسران و شین<sup>۶</sup>، آزمون فیشر دیکی فولر تعمیم‌یافته<sup>۷</sup>، آزمون فیشر - فیلیپس پرون<sup>۸</sup> و هادری<sup>۹</sup> برای آزمون ریشه واحد

۱. با توجه به وجود اطلاعات مربوط به شاخص ادراک فساد برای ایران و اغلب کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از سال ۲۰۰۳ به بعد، دوره زمانی این مطالعه به سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۳ محدود شده است.

2. Dickey-Fuller
3. Augmented Dickey-Fuller
4. Phillips-Perron
5. Levin, Lin & Chu
6. Im, Pesaran & Shin
7. Fisher - ADF
8. Fisher - PP
9. Hadri

پنل مورد استفاده قرار گیرد.

این آزمون‌ها اصطلاحاً آزمون‌های ریشه واحد پانل نامیده می‌شوند. از لحاظ تئوری آزمون‌های ریشه واحد، سری‌های چندگانه‌ای هستند که برای ساختارهای اطلاعات پانل به کار رفته‌اند. در این آزمون‌ها روند بررسی پایایی تمامی روش‌های فوق به غیر از روش هادری به یک صورت است و با رد  $H_0$  عدم پایایی رد می‌شود و بیانگر پایایی متغیر است. بنابراین با رد فرضیه  $H_0$  ناپایایی یا ریشه واحد رد می‌شود و پایایی پذیرفته می‌شود که یا در سطح و یا با یک تفاضل و یا با دو تفاضل پایا می‌شود که برای تشخیص این قسمت به  $Prob$  آن توجه می‌شود که بایستی از ۵ یا ۱۰ درصد کوچک‌تر باشد.

به منظور بررسی پایایی جمعی<sup>۱</sup> متغیرها از چهار آزمون لوین لین چو، آزمون ایم، پسران و شین، آزمون فیشر - فیلیپس پرون و آزمون فیشر دیکی فولر تعمیم یافته استفاده شده است.

جدول شماره (۱). نتایج آزمون ریشه واحد جمعی متغیرهای مدل

Unitroot Variables	PP - Fisher Chi-square	ADF Fisher Chi-square	Im, Pesaran and Shin W-stat	Levin, Lin & Chut
Corruption (level)	۴۶/۱۲۲ (۰/۰۰۰۶)	۲۷/۶۲۵۹ (۰/۶۸۷۷)	۰/۴۳۵۴ (۰/۶۶۸۴)	-۴/۶۰۸ (۰/۰۰۰۰)
Democracy (level)	۲۱/۱۵۳۶ (۰/۰۰۴۸۲)	۱۹/۵۱۸۹ (۰/۰۰۱۲۳)	-۱/۰۴۲۲ (۰/۱۴۸۶)	-۲/۷۵۲ (۰/۰۰۲۰)
Property Right (level)	۵۰/۱۴۸۱ (۰/۰۰۰۶)	۱۷/۸۳۵۱ (۰/۵۹۸۳)	۰/۱۰۸۸ (۰/۵۴۳۳)	-۱/۸۰۷۳ (۰/۰۰۳۵۴)
DE (first difference)	۱۴۲/۸۹۳ (۰/۰۰۰۰)	۴۶/۰۱۲۲ (۰/۰۰۳۰)	-۱/۳۲۶۹ (۰/۰۰۲۳)	-۱/۶۰۵۳ (۰/۰۰۵۴۲)
SAV (level)	۳۸/۳۵۳ (۰/۰۰۲۳۵)	۳۸/۲۸۳۹ (۰/۰۰۹۳۱)	-۱/۰۸۷۶ (۰/۱۳۸۴)	-۷/۲۵۸۴ (۰/۰۰۰۰)
IN (first difference)	۱۲۲/۴۹۳ (۰/۰۰۰۰)	۴۴/۶۹۷۵ (۰/۰۰۲۳۷)	۱/۶۳۹ (۰/۰۰۵۰۶)	-۵/۲۰۸۱ (۰/۰۰۰۰)
H (first difference)	۷۴/۰۵۶ (۰/۰۰۰۰)	۲۴/۷۴۷۹ (۰/۰۰۱۱۲)	-۰/۴۸۶۵ (۰/۰۰۲۱۵۸)	-۲/۳۵۳۸ (۰/۰۰۰۳)
POP (level)	۷۵/۷۴۷۰ (۰/۰۰۰۰)	۹۳/۴۲۵۱ (۰/۰۰۰۰)	-۳/۶۳۸۳ (۰/۰۰۰۱)	-۷/۴۱۸۴ (۰/۰۰۰۰)
GOV (level)	۵۶/۶۱۱۵ (۰/۰۰۴۷)	۳۷/۶۴۴۲ (۰/۰۵۹۸)	-۰/۳۲۷۳ (۰/۰۵۸۹۹)	-۱/۳۶۰۸ (۰/۰۰۸۶۸)
OPEN (first difference)	۸۴/۸۷۴۸ (۰/۰۰۰۰)	۸۴/۱۱۳۸ (۰/۰۰۰۰)	۰/۱۰۴۴ (۰/۰۵۰۴۲)	-۵/۵۱۱۶ (۰/۰۰۰۰)

منبع: یافته‌های تحقیق؛ اعداد داخل پرانتز p-value می‌باشد.

نتایج جدول شماره (۱) و بررسی مقادیر آماره‌های محاسبه شده و احتمال پذیرش

## 1. Common Unit Root



آنها نشان می‌دهد که شاخص درجه توسعه اقتصادی، تورم، سرمایه انسانی، باز بودن اقتصاد با یکبار تفاضل گیری پایا شدند. متغیرهای دیگر معادله در سطح پایا است.

#### ۲-۴. آزمون هم‌انباشتگی (همجمعی) داده‌های پانلی<sup>۱</sup>

با توجه به اینکه براساس آزمون‌های پایایی برخی از متغیرهای مدل ناپایا هستند، و با توجه به نظر گرنجر<sup>۲</sup> برای اجتناب از وضعیت‌های رگرسیون دروغین، آزمون همجمعی را می‌توان به‌عنوان یک پیش‌آزمون استفاده کرد (گرنجر، ۱۹۸۶). در این راستا برای اطمینان از نبودن رگرسیون کاذب آزمون همجمعی انجام گرفت. برای بررسی وجود همجمعی داده‌های پانلی، چندین آزمون مانند آزمون کائو<sup>۳</sup>، آزمون پدرونی<sup>۴</sup> و آزمون فیشر<sup>۵</sup> وجود دارد که در مطالعه حاضر از آزمون کائو استفاده شده است؛ زیرا انجام آزمون پدرونی به دلیل زیاد بودن تعداد متغیرهای مدل و آزمون فیشر به علت ناکافی بودن داده‌ها، امکان‌پذیر نبود. با توجه به جدول شماره (۲) مقدار آماره  $t$  در آزمون کائو، وجود همجمعی را تأیید می‌کند و بنابراین یک رابطه تعادلی بلندمدت میان شاخص ادراک فساد و متغیرهای مستقل مدل وجود دارد، و رگرسیون برآوردی دروغین نخواهد بود.

جدول شماره (۲). نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو

Kao Cointegration	t-Statistic	P-value
ADF	-۳/۵۲	۰/۰۰۰۲

منبع: یافته‌های تحقیق

#### ۳-۴. نتایج برآورد ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیش از بررسی نتایج برآورد مدل نیاز است اندکی درباره روش داده‌های پانلی گفته شود. نخست باید دریافت که آیا مقاطع مورد بررسی همگن اند یا خیر. اگر مقاطع همگن باشند، بدون نگرانی از پیدایش خطای تصریح، می‌توان روش حداقل

1. Co-integration Analysis
2. Granger
3. Kao
4. Pedroni
5. Fisher

مربعات تجميع شده را به کار برد؛ در غير اين صورت بايد از روش داده‌های پانل استفاده کرد. از نظر اقتصادسنجی اين مفهوم يعنی:

(۲)

$$Y_i = Z_i \delta + U_i \quad \text{مدل مقيد}$$

(۳)

$$Y_i = Z_i \delta_i + U_i \quad \text{مدل غير مقيد}$$

$$i = 1, 2, \dots, N$$

آماره اين آزمون دارای توضیح  $F$  است و در واقع مثل اين است که ما با دو مدل مقيد و غير مقيد روبه رو هستيم که در مدل مقيد، عرض از مبداها ثابت و یکسان می باشند:

(۴)

$$F_0 = \frac{(RRSS - URSS) / (N - 1)}{URSS / (NT - N - K)} \sim F_{N-1, N(T-1)-K}$$

در رابطه  $\delta$ ،  $RRSS$  مجموع مربعات پسماندهای مدل مقيد،  $URSS$  مجموع مربعات پسماندهای مدل غير مقيد،  $T$  دوره زمانی،  $N$  تعداد مقاطع و  $K$  تعداد متغیرهای توضیحی مورد بررسی است. فرض صفر در اين آزمون، برابر بودن عرض از مبداها می باشد. حال اگر بر پایه آزمون بالا اين نتیجه به دست آید که مقاطع، همگن نیستند، بايد یکی از روش‌های تخمین پانل ديپتا، يعنی روش اثرات ثابت<sup>۱</sup> يا روش اثرات تصادفی<sup>۲</sup>، را به کار برد. برای تصميم‌گیری در مورد گزينش میان دو روش يادشده بايد آگاه بود که روش اثرات ثابت معمولاً هنگامی کارایی دارد که کل جامعه آماری در نظر گرفته شود. چنانچه میان جامعه‌ای بزرگ، نمونه‌هایی به صورت تصادفی (نمونه‌گیری) انتخاب شود، روش اثرات تصادفی کاراتر خواهد بود. در اين زمینه هاسمن<sup>۳</sup> در سال ۱۹۸۷ آزموني را پیشنهاد کرده است که بر پایه آن وجود اختلاف میان برآوردگرهای روش اثرات ثابت و روش اثرات تصادفی، به عنوان فرض صفر در نظر گرفته شده است؛ اين گونه که با رد فرض صفر می توان نتیجه گرفت که به کار بردن روش اثرات ثابت بهتر است.

- 
1. Fixed Effect
  2. Random Effect
  3. Hausman

پس برای شناسایی نوع برآورد مدل به وسیله روش داده‌های تلفیقی یا داده‌های تابلویی از آزمون F-لیمر و برای برگزیدن نوع برآورد از میان روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شد. برآوردها به کمک نرم‌افزار EViews7 انجام شده است. نتایج، در جدول شماره (۳) آورده شده است.

جدول شماره (۳). نتایج آزمون‌ها برای تعیین روش برآورد الگو

نوع آزمون	value-P	t-Statistic	نتیجه
F-لیمر	۱۷/۱	۰/۰۰۰۰	رد فرض $H_0$ و تأیید روش داده‌های تابلویی
هاسمن	۲۸/۱	۰/۰۰۰۹	رد فرض $H_0$ و تأیید روش اثرات ثابت

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که در جدول شماره (۳) دیده می‌شود، نتایج دو آزمون F-لیمر و هاسمن داده‌های تابلویی، برآورد مدل کاهش فساد به روش اثرات ثابت را پیشنهاد می‌کند. همچنین به دلیل فقدان برخی از داده‌های آماری متغیرها برای کل دوره، از روش پانل نامتوازن<sup>۱</sup> برای برآورد ضرایب مدل استفاده شده است. نتایج برآورد مدل به روش اثرات ثابت در جدول شماره (۴) آمده است.

جدول شماره (۴). نتایج تخمین مدل کاهش فساد اداری با استفاده از روش اثرات ثابت

متغیر وابسته: شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری)			
متغیر مستقل	ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری
c	-۰/۳۳	-۰/۵۷	۰/۵۶۵۱
Democracy	۰/۰۳*	۳/۶۹	۰/۰۰۰۵
Property Right	۰/۰۹**	۲/۲۱	۰/۰۳۰۵
DE	-۰/۱۲**	-۱/۶۹	۰/۰۹۴۱
SAV	-۰/۰۳*	-۰/۲/۹۱	۰/۰۰۴۹
IN	-۰/۰۷*	-۴/۰۱	۰/۰۰۰۲
H	۰/۰۳۵*	۳/۲۳	۰/۰۰۱۴
POP	۰/۱۱	۱/۲۸	۰/۲۰۲۷
GOV	۰/۲۵	۱/۳۹	۰/۱۶۷۵
OPEN	-۰/۰۲	-۰/۳۹	۰/۶۹۱۳
Cross section		۱۶	
Total observation		۸۸	
F-statistic		۴۲/۰۷	
R <sup>2</sup>		۰/۹۹	

منبع: یافته‌های تحقیق؛ \* سطح معنی‌داری ۱ درصد، \*\* سطح معنی‌داری ۵ درصد و \*\*\* سطح معنی‌داری ۱۰ درصد.

مطابق نتایج جدول شماره (۴) دموکراسی و حقوق مالکیت رابطه مثبت و معناداری

با میزان کاهش فساد اداری در کشورهای عضو منا دارد. نتایج مطالعات کالنبرن و لسمن (۲۰۱۲)، کلستات و ویگ (۲۰۱۱)، دانگ و تورگلر (۲۰۱۱)، آدیس و دی‌تلا (۱۹۹۹) نیز بیانگر تأثیر دوگانه دموکراسی بر کاهش فساد اداری است. به‌عنوان نمونه نتایج مطالعه کالنبرن و لسمن بیانگر تأثیر مثبت دموکراسی بر کاهش فساد اداری است و درحالی‌که نتایج مطالعه دانگ و تورگلر بیانگر تأثیر منفی دموکراسی بر کاهش فساد اداری است. نتایج مطالعه آکموگلو و وردیر (۱۹۹۸) و دانگ و تورگلر بیانگر تأثیر مثبت حقوق مالکیت بر کاهش فساد اداری است. نتایج تخمین در مقاله حاضر نیز مبتنی بر اثر مثبت و معنی‌دار حقوق مالکیت بر کاهش فساد اداری است.

اثرگذاری حقوق مالکیت بر کاهش فساد اداری از طریق ایجاد انگیزه برای صاحبان فناوری است. کلیه شرکت‌ها، بنگاه‌ها و افراد سرمایه‌گذار که بخش‌های تحقیق و توسعه دارند و از طریق سرمایه‌گذاری بر روی این بخش به نتایجی دست می‌یابند که به ایجاد فناوری جدید و یا اختراع منتهی می‌شود، خواستار شرایطی هستند که بتوانند به صورت انحصاری از فناوری خود استفاده کرده و سود کسب کنند و طبق گفته نادگروودکیویسز (۲۰۱۲) حقوق مالکیت این شرایط را فراهم می‌آورد؛ به همین دلیل است که افزایش حقوق مالکیت منجر به کاهش فساد اداری می‌شود. حاصل تخمین مدل در این مطالعه نشان می‌دهد که با یک واحد افزایش در شاخص دموکراسی، شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری)،  $0/03$  واحد افزایش خواهد یافت. با یک واحد افزایش در شاخص حقوق مالکیت، شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری)،  $0/09$  واحد افزایش خواهد یافت.

ضریب شاخص توسعه اقتصادی منفی و معنی‌دار است. مطابق جدول شماره (۴) با یک درصد افزایش در شاخص توسعه اقتصادی، شاخص ادراک فساد  $0/12$  واحد کاهش پیدا خواهد کرد. تولید ناخالص ملی سرانه یا درآمد ملی سرانه، اگرچه ممکن است شاخصی برای رفاه در نظر گرفته شود، اما توزیع درآمد را در یک کشور نشان نمی‌دهد؛ یعنی ممکن است در جامعه‌ای تولید ناخالص ملی سرانه یا درآمد ملی سرانه افزایش یابد، درحالی‌که توزیع درآمد بدتر شده باشد. بنابراین افزایش درآمد سرانه در یک کشور نمی‌تواند الزاماً انعکاسی از افزایش سطح رفاه عموم

افراد جامعه باشد. توزیع نابرابر درآمد منجر به ایجاد فاصله طبقاتی می‌شود که عاملی برای وجود فساد است.

ضریب متغیر نرخ پس‌انداز منفی و معنی‌دار است. مطابق جدول شماره (۴) با یک درصد افزایش شاخص نرخ پس‌انداز، شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری)، ۰/۲۴ واحد کاهش خواهد یافت. در مدل‌های رشد رمزی، کاس و کوپمنز عنوان شده است افزایش پس‌انداز از طریق انباشت سرمایه منجر به افزایش درآمد می‌شود. با توجه به ساختار کشورهای مورد مطالعه و امکان وجود نابرابری درآمدی در این کشورها، فاصله طبقاتی و درآمد ناشی از پس‌انداز، بیشتر و بیشتر خواهد شد و ثروت بیشتری در انحصار افراد ثروتمند قرار خواهد داشت. تحلیل دیگر در مورد این موضوع این است که به دلیل نظارت ضعیف قانون در این کشورها، آنهایی که دارای ثروت و پس‌انداز بیشتری هستند قاعداً استطاعت بیشتری نیز دارند، با پرداخت پول و رشوه، از نتایج مطلوب بهره‌مند می‌شوند و افراد ناتوان از امکانات بی‌بهره می‌مانند؛ در نتیجه فقر و فساد افزایش خواهد یافت.

شاخص تورم اثر منفی و معناداری بر کاهش فساد دارد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود با افزایش یک درصدی در نرخ تورم، میزان شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) ۰/۱۷ واحد کاهش می‌یابد؛ تورم سبب می‌شود که منابع مادی و انسانی کشور از فعالیت‌های تولیدی خارج شود و به سمت فعالیت‌های غیرتولیدی منتقل شود. انتقال منابع از بخش‌های مولد جامعه به سمت فعالیت‌های غیرمولد، خود نوعی از فساد اقتصادی است. تورم به دلیل تأثیرگذاری منفی بر بازدهی فعالیت‌های تولیدی و مولد سبب می‌شود تا منابع از این فعالیت‌ها به سمت فعالیت‌های غیرمولد جریان پیدا کند که این خود نوعی فساد پنهان اقتصادی است.

شاخص سرمایه انسانی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد؛ به طوری که با یک درصد افزایش در نرخ ثبت‌نام در مقطع متوسطه، شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) ۰/۰۳ واحد افزایش خواهد یافت. در جوامعی که شهروندان از آزادی‌های مدنی بیشتری برخوردارند، حکومت‌ها نسبت به تأمین نیازهای اولیه مردم پاسخ‌گوتر هستند، چراکه آنها سیاست‌هایی را انتخاب خواهند کرد که انباشت سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. ارتقاء سرمایه انسانی از یک سو با سطوح بالاتر تولید در ارتباط است

و از سوی دیگر تقاضا برای دموکراسی را افزایش می‌دهد، که این خود موجب پاسخ‌گوتر شدن حکومت‌ها و کاهش فساد می‌شود.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

فساد اداری عارضه‌ای است که الگوسازی آن از دیدگاه نظری پیچیده، گردآوری و دسترسی به داده‌ها و ردیابی آن از دیدگاه تجربی دشوار، و مبارزه با آن از دیدگاه سیاسی حساسیت‌برانگیز است. به‌رغم پیچیدگی، دشواری و حساسیت، در سال‌های اخیر پژوهش‌ها، شواهد تجربی و اقدامات بین‌المللی گسترده‌ای در این زمینه انجام شده و تا حدود زیادی به افزایش درجه وضوح شناسایی عناصر مفهوم، علت‌ها، شکل‌گیری سیاست‌ها و برنامه‌های ردیابی فساد اداری انجامیده است؛ به‌گونه‌ای که بحث فساد به‌عنوان یک علم جدید نگریسته شده و تمام کشورها به کاهش آن همت گماشته‌اند. بنابراین در وهله اول برای بررسی هر پدیده‌ای مانند فساد اداری، ابتدا باید به علل به وجودآورنده آن توجه کرده و آنها را شناسایی کرد تا بدین ترتیب بتوان از رشد آن جلوگیری کرد.

این مقاله به بررسی اثر دموکراسی و حقوق مالکیت و برخی دیگر از متغیرهای اثرگذار به‌عنوان متغیرهای کنترلی بر افزایش شاخص ادراک فساد به‌عنوان معیاری برای کاهش فساد اداری برای کشورهای عضو منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۳ پرداخت.

نتایج حاصل از تخمین مدل دلالت بر این دارد که متغیرهای دموکراسی، حقوق مالکیت و سرمایه انسانی تأثیر مثبت و معنادار و شاخص تورم، توسعه اقتصادی و نرخ پس‌انداز تأثیر منفی و معناداری بر شاخص ادراک فساد در گروه کشورهای منطقه مندا داشته است.

با افزایش حمایت از حقوق مالکیت، و اینکه فساد به درجه خاصی از عدم وجود حقوق مالکیت در کاهش اطمینان، تولید و سرمایه‌گذاری مربوط است، سرمایه‌گذاران، اعتماد بیشتری به شرایط اقتصادی موجود پیدا کرده و مطمئن می‌شوند که نتیجه تلاش‌هایشان در زمینه ایجاد فناوری، شیوه‌های جدید تولید و به‌طورکلی منافع حاصل از سرمایه‌گذاری آنها در زمینه‌های مختلف، در دسترس

دیگران قرار نخواهد گرفت.

همچنین باید خاطرنشان کرد که یکی از وظایف حکومت های دموکراتیک، رعایت کردن و محترم شمردن حقوق مالکیت است و از این طریق دموکراسی بر کاهش فساد اثر می گذارد. از سوی دیگر، حکومت های دموکراتیک به دلیل حمایت از منافع کلیه افراد جامعه در مقابل نفع فردی یا اقلیت - که عامل فساد است - می تواند بر کاهش فساد اثرگذار باشد.

لذا به کشورهای عضو منا در راستای کاهش فساد اداری پیشنهاد می شود:

- با توجه به گزارشات جهانی مربوط به شاخص polity IV، شاخص دموکراسی در کشورهای عضو منا پایین است، لذا تلاش کشورهای عضو منا باید در راستای بهبود شاخص دموکراسی برای کاهش فساد اداری بیشتر شود.
- حمایت از حقوق مالکیت از طریق تشویق نوآوری، خلاقیت فردی و گروهی کارکنان بر کاهش فساد اداری اثر مثبت دارد، لذا دولت های کشورهای عضو منا باید تدابیری در راستای افزایش حمایت از حقوق مالکیت انجام دهند.
- اتخاذ سیاست های کلان اقتصادی در راستای مهار تورم و ثبات اقتصادی در کشورهای عضو منا نیز به کاهش فساد کمک می کند.
- دولت های کشورهای عضو منا باید با اتخاذ تدابیری در راستای تدوین قوانین مالیاتی مناسب مالیات بر درآمد و پس انداز و توزیع مجدد درآمدهای مالیاتی به دست آمده در بین اقشار ضعیف جامعه و تلاش برای کاهش توزیع نابرابر درآمد به عنوان عامل فقر و فساد بکوشد.
- از آنجاکه فقر علمی و آموزشی، عامل بسیار اساسی در پیدایش فساد اداری به شمار می آید و با توجه به آثار زیانبار و متعددی که فساد اداری بر زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه می گذارد، ایجاد درک عمومی برای مبارزه با فساد از جمله روش های مطلوبی است که کشورهای عضو منا می توانند از طریق افزایش سطح آموزش و آگاهی افراد به این امر نائل آیند.

## منابع

### الف - فارسی

- افضلی، عبدالرحمن. ۱۳۹۱. «فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون‌رفت»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، ۲۸(۴۵)، صص ۲۶۴-۲۳۵.
- الوانی، سید مهدی. ۱۳۷۸. *مدیریت عمومی*، تهران: نشر نی.
- تقوی، مهدی؛ نیکومرام، هاشم، غفاری، فرهاد، و صدیقه طوطیان. ۱۳۹۱. «رابطه فساد اداری و رشد اقتصادی در کشورهای عضو اپک»، *فصلنامه مدیریت*، ۸(۲۱)، صص ۸۸-۱۰۳.
- جنتی، علی. ۱۳۹۰. «چشم‌انداز دموکراسی در خاورمیانه»، *گزارش راهبردی*، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، شماره ۴۰۲.
- رنانی، محسن. ۱۳۹۰. «توسعه: گذار از عدالت به انصاف؛ نگاهی به رابطه دولت، عدالت و فساد»، *ماهنامه همشهری*، ۷۷، صص ۱۴۷-۱۴۲.
- زاهدی، شمس‌السادات؛ محمدنبی، سینا و شهبازی، مهدی. ۱۳۸۸. *بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد اداری (مطالعه موردی در شهرداری تهران)*، مدیریت فرهنگ سازمانی، ۷(۲۰)، ۵۵-۲۹.
- سجادپور، سیدمحمدکاظم و محمد یزدان‌پناه شوره‌گل. ۱۳۹۲. «جهانی‌شدن دموکراسی، فرامیزی شدن هنجارها و تکثر بازیگران در سازمان‌های بین‌المللی»، *فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی*، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱(۱)، صص ۱۰۰-۷۷.
- شائمی برزکی، علی؛ فرخی، مجتبی و زینب امیری. ۱۳۹۱. *فساد اداری مانعی برای گسترش کارآفرینی*، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان، دانشگاه مازندران.
- صمدی، سعید؛ درخشان، مرتضی، و سید پرویز جلیلی کامجو. ۱۳۹۱. «ارزیابی مقایسه‌ای تأثیر سهم مالیات در GDP و سهم درآمدهای نفتی در GDP بر دموکراسی»، *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱(۳)، صص ۹۲-۶۹.
- معینی، شهرام و محسن رنانی. ۱۳۸۹. «مسئله داوری در حقوق مالکیت؛ صورت‌بندی، طراحی مکانیسم و استخراج تابع بهترین عکس‌العمل (BRF) در چهارچوب نظریه



بازی»، *دوفصلنامه اقتصاد تطبیقی*، ۱(۱)، صص ۱۷۰-۱۴۷.  
 نواده توپچی، حسین. ۱۳۸۹. «چالش‌های فراروی اجرای کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه  
 با فساد در کشور»، *فصلنامه راهبرد*، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۹(۵۷)، صص  
 ۲۴۳-۲۱۷.

#### ب - انگلیسی

- Acemoglu, D., & Verdier, T. 1998. "Property Rights, Corruption and the Allocation of Talent: A General Equilibrium Approach", *Economic Journal*, Royal Economic Society, 108(450), pp.1381-1403.
- Ades, A., & Di Tella, R. 1997. "The New Economics of Corruption: A Survey and Some New Results", *Political Studies*, No.45, pp.496-515.
- Ades, A., & Di Tella, R. 1999. "Rents, Competition and Corruption", *American Economic Review*, No.89, pp.982-993.
- Arezki, A., & Gylfason, T. 2011. "Resource Rents, Democracy and Corruption: Evidence from Sub-Saharan Africa", *CESifo Working Paper Series 3575*, CESifo Group Munich.
- Blackburn, K., Gonzalo, F., & Forgues, P. 2010. "Financial Liberalization, Bureaucratic Corruption and Economic Development," *International Money and Finance*, No.29, pp.1321-1339.
- Brendan, P. 2007. "Democracy, Property Rights and FDI in Developing Countries", *A Regional Analysis. Honor Paper Presented to Macalester College*, Economic Department. Minneapolisfed.org/mealcontest/2007.
- Bhattacharyya, S., & Hodler, R. 2008. "Natural Resources, Democracy and Corruption", *OxCarre Working Papers 020*, Oxford Centre for the Analysis of Resource Rich Economies, University of Oxford.
- Bohara, A.K., Mitchell, N.J., & Mittendorf, C.F. 2004. "Compound Democracy and the Control of Corruption: a Cross-Country Investigation", *Policy Study*, 32(4), pp.481-499.
- David, Ng. (2006). The Impact of Corruption on Financial Market. *Managerial Finance*, 32, 822-836.
- Dong, B., & Torgler, B. (2011). Democracy, Property Rights, Income Equality, and Corruption. CREMA - Centre for Research in Economics, Management and the Arts, Switzerland and CESifo, Germany.
- Ebben, W. & Vaal, A. 2009. "Institutions and the Relation between Corruption and Economic Growth", *NiCE Working Paper*, 09-104.

- Fisman, R., & Gatti, R. 2002. "Decentralization and Corruption: Evidence across Countries", **Journal of Public Economics**, No.83, pp.325-345.
- Jain, A.K. 2001. "Corruption: A Review", **Journal of Economic Surveys**, 15(1), pp.71-121.
- Hill, K.Q. 2003. "Democratization and Corruption: Systematic Evidence from the American States", **American Politics Research**, 31(6), pp.613-631.
- Granger, C.W.J. 1986. "Developments in the Study of Cointegrated Economic Variables", **Oxford Bulletin of Economic and Statistics**, No.48, pp.213-228.
- Kahana, N., & Liu Qijun, A. B. 2010. "Endemic Corruption", **European Journal of Political Economy**, No.26, pp.82-88.
- Kalenborn, C., & Lessmann, C. 2012. "The Impact of Democracy and Press Freedom on Corruption: Conditionality Matters", **CESifo Working Paper Series**, No. 3917.
- Kemal, M.A. 2009. **Property Rights And Corruption In Pakistan**, <http://makemal.blogspot.com/2008/01/property-rights-and-corruption-in.html>.
- Kolestad, I., & Wiig, A. 2011. "Does Democracy Reduce Corruption?", **CMI Working Papers 4**, CMI (Chr. Michelsen Institute), Bergen, Norway.
- Knack, S., & Keefer, P. 1997. "Institutions and Economic Performance: Cross Country Tests Using Alternative Institutional Measures", **Economics and Politics**, 7(3), pp.67-90.
- Ksenia, G. 2008. "Can Corruption and Economic Crime be Controlled in Developing Countries and if so, is it Cost effective?", **Journal of Financial Crime**, 15(2), pp.223-233.
- MacIntyre, A. 2003. "Institutions and the Political Economy of Corruption in Developing Countries. Workshop on Corruption", **Discussion Paper**, Stanford University.
- Mohabbat Khan, M. 2011. "Political and Administrative Corruption: Concepts", comparative experiences and Bangladesh case August [online]. [www.ti-bangladesh.org/docs/Research/khan.html](http://www.ti-bangladesh.org/docs/Research/khan.html).
- Rose-Ackerman, S. 1999. **Corruption and Government: Causes, Consequences, and Reform**, Cambridge University Press.
- Saha, S., & Campbell, N. 2007. "Studies of the Effect of Democracy on Corruption", **Prepared for the 36th Australian Conference of Economists**, Tasmania, Australia.

- Saha, S., & Je Su, J. 2012. "Investigating the Interaction Effect of Democracy and Economic Freedom on Corruption: A Cross-Country Quantile Regression Analysis", *Economic Analysis & Policy*, 42(3), pp.389-396.
- Saha, S., Gounder, R. & Su, J.J. 2009. "The Interaction Effect of Economic Freedom and Democracy on Corruption: A Panel Cross-Country Analysis", *Economics Letters*, 105(2), pp.173-176.
- Shleifer, A., & Vishny, R. W. 1993. "Corruption", *Quarterly Journal of Economics*, 108(3), pp.599-617.
- Sung, H.E. 2004. "Democracy and Political Corruption: A Cross-National Comparison", *Crime, Law & Social Change*, No.41, pp.179-194.

